



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۳ حرمت آلات لهو و لعب

۳ مرور گذشته

۳ روایت سیزدهم

۳ بررسی روایت از لحاظ سند

۳ بررسی روایت از لحاظ دلالت

۴ روایت چهاردهم

۴ بررسی روایت از لحاظ سند

۴ بررسی روایت از لحاظ دلالت

۴ روایت پانزدهم

۴ بررسی روایت از لحاظ دلالت

۵ بررسی روایت از لحاظ دلالت

Error! Bookmark not defined. جمع‌بندی

۵ روایات مستدرک الوسائل

۵ روایت اول

۵ روایت دوم

۶ روایت سوم

۶ روایت چهارم

۷ روایت پنجم

۷ روایت ششم

۷ روایت هفتم

۷ روایت هشتم

۸ روایت نهم

۸ روایت دهم

۸ روایت یازدهم

۸ روایت دوازدهم

۹ روایت سیزدهم

۹ روایت چهاردهم

۹ روایت پانزدهم



۹	روایت شانزدهم
۱۰	روایت هفدهم
۱۰	روایت هیجدهم
۱۰	روایت نوزدهم
۱۱	روایت بیستم
۱۱	روایت بیست و یکم
۱۱	تقسیم بندی روایات
۱۲	جمع بندی
۱۲	نکاتی در مورد جمع بندی



حرمت آلات لهو و لعب

مرور گذشته

بحث ما در ادات لهو و لعب است. روایاتی که برای حرمت ادات لهو آمده است را بررسی کردیم. اکنون به روایت سیزدهم رسیدیم.

روایت سیزدهم

«وَرَامَ بَنُ أَبِي فِرَاسٍ فِي كِتَابِهِ قَالَ: قَالَ ع لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ خَمْرٌ أَوْ دِفٌّ أَوْ طُنْبُورٌ أَوْ نَزْدٌ وَلَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ وَ تُرْفَعُ عَنْهُمْ الْبُرْكَهٗ.»^۱

این نیز یکی دیگر از روایات استشهاد شده است.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت از لحاظ سند اعتباری ندارد.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این دلالت چند اثر برای استعمال آلات برشمرده شده است:

۱. ملائکه وارد خانه‌ای که آلات لهو و لعب وجود دارد نمی‌شوند.

۲. دعای اهالی این خانواده مستجاب نمی‌شود.

۳. برکت از آن‌ها برداشته می‌شود.

با توجه به مطالب بالا باز نمی‌توانیم حرمت را دلالت کنیم و مکروهیت نیز قابل قبول است.

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۵.



روایت چهاردهم

«عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّعِبِ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ وَ شَبَّهَهَا قَالَ لَا نَسْتَحِبُّ شَيْئاً مِنْ اللَّعِبِ غَيْرَ الرَّهَانِ وَالرَّمِيِّ»^۱

از اربعه عشر سؤال شده است. حضرت می‌فرمایند: ما لعب را دوست نداریم غیر رهان و رمی. (اسب‌سواری و تیراندازی)

بررسی روایت از لحاظ سند

این سند قابل توثیق است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

این دلالت محل شبهه است. زیرا دوست‌نداشتن را بیان می‌کند. «لانتحب» دلالت بر حرمت ندارد و بیشتر بر کراهت شمول دارد. از طرفی در اینجا بیشتر به لهو و لعب اشاره کرده است و آلات لهو و لعب را نیاورده است.

روایت پانزدهم

«الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ فِي مَجَالِسِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْحَلَبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: كُلُّ مَا أَلْهَى عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْمَيْسِرِ»^۲

در سه آیه قرآن بحث میسر آمده است که همان قمار است. در آیه ۲۱۹ سوره بقره، و آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده به میسر اشاره شده است. در این آیات بردو باخت قمار حرمت دارد. در این روایت آمده است که میسر فقط قمار نیست و هر چیزی که ملهی عن ذکر الله باشد، این حکم را دارد.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

در این روایت چندین راوی ضعیف وجود دارد

^۱ - همان.

^۲ - همان، ص ۳۱۶.



بررسی روایت از لحاظ دلالت

اینکه بگوئیم این روایت شامل آلات لهو و لعب می‌شود، خیلی بعید است.

جمع‌بندی

از بین این ۱۵ روایت، سه روایت معتبر بود. روایت اول معتبر بود که دلالت بر حرمت تام نداشت. روایت ششم نیز معتبر است، اما آن هم مقداری تردید دارد. روایت چهاردهم نیز معتبر بود ولی دلالت تام نداشت.

روایات مستدرک الوسائل

روایات مستدرک در ذیل باب ۱۰۰ وسائل الشیعه آمده است. در مستدرک الوسائل ۲۱ روایت آمده است.

روایت اول

«الْجَعْفَرِيَّاتُ، يَأْتِنَاهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الزَّمْرِ وَالْمَرْمَارِ وَالْكُوبَاتِ وَالْكُيُوبَاتِ»^۱

این روایت نیز از لحاظ سندی مشکل دارد.

در این روایت نیز همان بحث «انهی» است. این نهی همان نهی ولایی است و یا نهی تحریمی نیست. این نهی غیر از نهی الهی است. اطلاق این روایت نیز بعید است. زمان جنگ نیز در طبل کوبیده می‌شود و آنجا را نمی‌توانیم بگوئیم که حرام است.

روایت دوم

«وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ عَلِيُّ ع: تَقُومُ السَّاعَةُ عَلَى قَوْمٍ يَشْهَدُونَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْتَشْهَدُوا وَعَلَى الَّذِينَ يَعْمَلُونَ عَمَلَ قَوْمِ لُوطٍ وَعَلَى قَوْمٍ يَضْرِبُونَ بِالْأَدْفُوفِ وَالْمَعَازِفِ.»^۲

این روایت نیز از جعفریات است و ضعیف است.

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۶.

^۲ - همان.



حضرت (ع) می‌فرمایند: تا قیام قیامت این معاصی وجود دارد و مبتلا به عذاب الهی می‌شوند.
در این روایت نیز کراهت و حرمت مشترک است و قاطعانه نمی‌توانیم بر حرمت دلالت کنیم.

روایت سوم

«وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع: أَنَّهُ زُفِعَ إِلَيْهِ رَجُلٌ كَسَرَ بَرَبَطًا فَأَبْطَلَهُ.»^۱

این روایت نیز باز از جعفریات است. و سند ضعیف است.

کسی به حضرت شکایت می‌کند که فلانی طبل مرا شکسته است. حضرت این را باطل می‌داند.

از این روایت معلوم می‌شود، آلات ارزشی ندارد و دلالت در حرمت دارد. این روایت دلالت بر حرمت دارد.

روایت چهارم

«زَيْدُ النَّرْسِيُّ فِي أَصْلِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ: فِيمَنْ طَلَبَ الصَّيْدَ لَاهِيًا وَ أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَفِي شُغْلٍ عَنْ ذَلِكَ شَغَلَهُ طَلَبُ الْآخِرَةِ عَنِ الْمَلَاهِي إِلَى أَنْ قَالَ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ مَا لَهُ وَ لِلْمَلَاهِي فَإِنَّ الْمَلَاهِي تَوْرَثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَ تَوْرَثُ التَّفَاقُ وَ أَمَّا ضَرْبُكَ بِالصَّوَالِجِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَكَ يَزْكُضُ وَ الْمَلَائِكَةُ تَنْفُرُ عَنْكَ وَ إِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ لَمْ تُؤْجِرْ وَ مَنْ عَثَرَ بِهِ دَابَّتُهُ فَمَاتَ دَخَلَ النَّارَ.»^۲

اینکه بر طبلی می‌زنید، شیطان خوشحال می‌شود و ملائکه متنفرند.

این روایت نیز در اصل زید نرسی است ولی این اصل، ثابت شده نیست. این روایت نیز سند معتبری ندارد.

این روایت ظهور در حرمت دارد.

^۱ - همان.

^۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۶.



روایت پنجم

«دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، رُوِيْنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ اللَّهْوِ فِي غَيْرِ النَّكَاحِ فَأَنْكَرَهُ وَ تَلَا قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَا لَاتَّخِذُنَا مِنْ لُدَّنَا إِلَى قَوْلِهِ تَصِفُونَ»^۱.

روایت ششم

« وَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: أَنَّهُى أُمَّتِي عَنِ الزَّفَنِ وَ الْمِزْمَارِ وَ عَنِ الْكُؤْبَةِ وَ الْكِنَارَاتِ»^۲.

این روایت نیز سند ضعیف دارد.

روایت هفتم

« وَ عَنِ عَلِيِّ ع: أَنَّهُ رَفَعَ إِلَيْهِ رَجُلٌ كَسَرَ بَرَبَطًا فَأَبْطَلَهُ وَ لَمْ يُوجِبْ عَلَى الرَّجُلِ شَيْئًا»^۳.

این روایت نیز نظیر روایت سوم است.

روایت هشتم

« وَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: مَنْ ضَرَبَ فِي بَيْتِهِ بَرَبَطًا أُرْبِعِينَ صَبَاحًا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَانًا لَا يُبْقِي عُضْوًا مِنْهُ إِلَّا قَعَدَ عَلَيْهِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ فَلَمْ يُبَالِ بِمَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ»^۴.

این روایت همان مضمون روایت اول و سائل است. آن روایت از کافی نقل شده بود.

۱- همان، ۲۱۷.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.



روایت نهم

«وَعَنْهُ عَ أَنَّهُ قَالَ: مَرَّ بِي أَبِي وَ أَنَا غُلَامٌ صَغِيرٌ وَ قَدْ وَقَفْتُ عَلَى زَمَارَيْنِ وَ طَبَالَيْنِ وَ لَعَابَيْنِ أَسْتَمِعُ فَأَخَذَ بِيَدِي فَقَالَ مَرَّ لَعَلَّكَ مِمَّنْ شِمِتَ بِآدَمَ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا أَبَهَ قَالَ هَذَا الَّذِي تَرَى كُلُّهُ مِنَ اللَّهْوِ وَ الْغِنَاءِ إِنَّمَا صَنَعَهُ إِبْلِيسُ شِمَاتَةً بِآدَمَ عَ حِينَ أَخْرَجَ مِنَ الْجَنَّةِ.»^۱

این روایت نیز سند ضعیفی دارد.

روایت دهم

«فَقُهِ الرَّضَا، ع وَ تَزَوَّى: أَنَّهُ مَنْ لَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنْبُورًا أَوْ عُودًا أَوْ شَيْئًا مِنَ الْمَلَاهِي مِنَ الْمِعْرَفَةِ وَ الشُّطْرُنِجِ وَ أَشْبَاهِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ مَاتَ فِي أَرْبَعِينَ مَاتَ فَاجِرًا فَاسِقًا مَا وَاهُ النَّارُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ.»^۲

این روایت از فقه الرضا است. کسی که در خانه اش طبل و شیپور نگاه دارد، عذاب بر او وارد می شود.

این روایت سند ضعیفی دارد. ولی دلالت خوبی دارد. این روایت دلالت بر حرمت دارد.

روایت یازدهم

«الْقُطْبُ الرَّاَوْنِدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الدَّفَّ وَ الْكُوبَةَ وَ الْمَرَامِيرَ وَ مَا يُلْعَبُ بِهِ.»^۳

این روایت نیز سند ضعیفی دارد. ولی دلالت بر حرمت دارد.

روایت دوازدهم

«وَعَنْهُ ص أَنَّهُ قَالَ: نَهَيْتَنَا عَنْ صَوْتَيْنِ أَحْمَقَيْنِ فَاجْرَيْنِ صَوْتِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ مَعَ حَمْسِ الْوُجُوهِ وَ شَقِّ الْجُيُوبِ وَ صَوْتِ عِنْدَ النَّعْمَةِ بِاللَّهْوِ وَ اللَّعْبِ بِالْمَرَامِيرِ وَ إِنَّهُمَا مَرَامِيرُ الشَّيْطَانِ وَ رَوَاهُ فِي عَوَالِي اللَّاحِلِيِّ عَنْهُ: مِثْلَهُ بِاخْتِلَافٍ يَسِيرٍ.»^۱

۱- همان.

۲- همان، ۲۱۸.

۳- همان.



سند ضعیف دارد.

روایت سیزدهم

«وَعَنْهُ ص أَنَّهُ قَالَ: اللَّعْبُ بِالْكَعَابِ وَالصَّفِيرُ بِالْحَمَامِ وَأَكْلُ الرَّبَا سَوَاءٌ.»^۲

روایت چهاردهم

«عَوَالِي اللَّائِي، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص: أَنَّهُ نَهَى عَنِ الضَّرْبِ بِالذَّفِّ وَالرَّقِصِ وَعَنِ اللَّعْبِ كُلِّهِ وَعَنْ حُضُورِهِ وَعَنِ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَلَمْ يُجِزْ ضَرْبَ الذَّفِّ إِلَّا فِي الْأَمْلاَكِ وَالذُّخُولِ بِشَرْطِ أَنْ يَكُونَ فِي الْبِكْرِ وَلَا يَدْخُلَ الرَّجَالُ عَلَيْهِنَّ.»^۳

این روایت سند ضعیف دارد. اما در این روایت ضرب دَف را در عروسی استثناء می‌کند.

روایت پانزدهم

«وَعَنْهُ ص قَالَ: لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ خَمْرٌ أَوْ ذِفٌّ أَوْ طُنْبُورٌ أَوْ نَزْدٌ وَلَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ وَتَرْتَفَعُ عَنْهُمْ الْبَرَكَةُ.»^۴

سند ضعیف است و دلالت نیز تام نیست.

روایت شانزدهم

«الشَّيْخُ أَبُو الْفُتُوحِ فِي تَفْسِيرِهِ، عَنْ أَبِي أَمَامَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَنِي هُدًى وَرَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَمْحُوَ الْمَزَامِيرَ وَالْمَعَارِفَ وَالْأَوْثَانَ وَالْأَوْثَانَ وَأُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ إِلَى أَنْ قَالَ إِنَّ آلَاتِ الْمَزَامِيرِ شِرَاؤُهَا وَبَيْعُهَا وَ ثَمَنُهَا وَالتَّجَارَةُ بِهَا حَرَامٌ الْخَبَرُ.»^۵

این روایت نیز سند ضعیفی دارد.

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان، ۲۱۹.



روایت هفدهم

«جَامِعُ الْأَخْبَارِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: يُحْشَرُ صَاحِبُ الطُّنْبُورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ أَسْوَدُ الْوَجْهِ وَبِيَدِهِ طُنْبُورٌ مِنْ نَارٍ وَفَوْقَ رَأْسِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِيَدِ كُلِّ مَلَكٍ مِقْمَعَةٌ يَضْرِبُونَ رَأْسَهُ وَوَجْهَهُ وَيُحْشَرُ صَاحِبُ الْغِنَاءِ مِنْ قَبْرِهِ أَعْمَى وَآخِرَسَ وَأَبْكَمَ وَيُحْشَرُ الزَّانِي مِثْلَ ذَلِكَ وَصَاحِبُ الْمِزْمَارِ مِثْلَ ذَلِكَ وَصَاحِبُ الدَّفِّ مِثْلَ ذَلِكَ.»^۱

روایت هیجدهم

«الشَّيْخُ الطُّوسِيُّ فِي مَجَالِسِهِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ خَالِدٍ الْمَرَاغِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْزَازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ الْمُحَمَّدِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ هَاشِمٍ الْعَسَّانِيِّ عَنِ ابْنِ عَاصِمِ النَّبِيلِ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسٍ عَنْ تَوْفِ الْبِكَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ فِي حَدِيثٍ: فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَكُونَ عَرِيفاً وَلَا شَاعِراً وَلَا صَاحِبَ كُوبَةٍ وَلَا صَاحِبَ عَرُطَبَةٍ فَافْعَلْ فَإِنَّ دَاوُدَ ع رَسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ خَرَجَ لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِي فَانظَرَ فِي نَوَاحِي السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ رَبِّ دَاوُدَ إِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ لَسَاعَةٌ مَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ فِيهَا خَيْراً إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَرِيفاً أَوْ شَاعِراً أَوْ صَاحِبَ كُوبَةٍ أَوْ صَاحِبَ عَرُطَبَةٍ.»^۲

این روایت نیز نظیر همان چیزی است که در نهج البلاغه و وسائل الشیعه آمده بود. سند ضعیفی دارد.

روایت نوزدهم

«السَّيِّدُ الْقَاضِلُ الْمُعَاوِرُ فِي الرَّؤُوسَاتِ، عَنْ رِسَالَةِ قَبَائِحِ الْخَمْرِ لِلْسَّيِّدِ الْجَلِيلِ الْأَمِيرِ صَدْرِ الدِّينِ الدُّشْتَكِيِّ عَنِ الرَّضَا ع: اسْتِمَاعُ الْأُوتَارِ مِنَ الْكَبَائِرِ.»^۳

این روایت سند ضعیف دارد و استماع اوتار را از کبائر دانسته است و در نتیجه زدن اوتار نیز حرام است.

^۱ - همان.

^۲ - همان.

^۳ - همان، ص ۲۲۰.



روایت بیستم

«وَنَقَلَ: أَنَّهُ سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ رَجُلًا يُطْرَبُ بِالطُّنْبُورِ فَمَنَعَهُ وَ كَسَرَ طُنْبُورَهُ ثُمَّ اسْتَتَابَهُ فَتَابَ ثُمَّ قَالَ أَتَعْرِفُ مَا يَقُولُ الطُّنْبُورُ حِينَ يُضْرَبُ قَالَ وَصِي رَسُولِ اللَّهِ صَ أَغْلَمُ فَقَالَ إِنَّهُ يَقُولُ سَتْنَدُمُ سَتْنَدُمُ أَيَا صَاحِبِي سَتَدْخُلُ جَهَنَّمَ أَيَا صَارِبِي.»^۱

این روایت نیز سند ضعیف دارد. ولی دلالت خوبی دارد.

روایت بیست و یکم

«الْأَمِيدِيُّ فِي الْغُرَرِ، عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَنَّهُ قَالَ: الْمُؤْمِنُ يَعَافُ اللَّهُوَ وَيَأْلَفُ الْجِدَّ وَ قَالَ ع: لَمْ يَعْقِلْ مَنْ وَلَهُ بِاللَّعِبِ وَ اسْتَهْتَرَ بِاللَّهُوَ وَ الطَّرَبِ.»^۲

البته یک سری روایت دیگر نیز در ابواب معروف و منکر نیز آمده است. آن روایات نیز معمولاً ضعیف است و در آن روایات می‌گوید که چیزی که در آخرالزمان رواج پیدا می‌کند ضرب به اوتار و ادوات است.

تقسیم‌بندی روایات

تقریباً ۴۰ روایت با بحث ما در ارتباط است. این روایات را می‌توانیم به انواع و اقسامی تقسیم‌بندی کنیم.

۱. بخشی از این روایات شامل نهی هستند.
 ۲. تعدادی از این روایات به آثار اشاره دارد. مثلاً شیطان یک نوع استیلا بر نوازنده پیدا می‌کند یا کار با این‌ها نفاق را دل می‌رویاند. یا اینکه موجب قساوت قلب می‌شود. حتی دعای او مستجاب نمی‌شود. ملائکه وارد خانه‌ی وی نمی‌شود. برکت از آن‌ها برداشته می‌شود. غضب خدا کسب می‌شود. احوال سخت برای این افراد در قیامت پیدا می‌شود.
 ۳. بخشی از روایات می‌گویند که این آلات ساخته شیطان هستند.
 ۴. غضب و مذمت را برمی‌شمارد.
- این قسمتی از تقسیم‌بندی روایات است.

^۱- همان.

^۲- همان.



جمع بندی

در جمع بندی نکات زیاد وجود دارد:

۱. کثرت روایات

۲. قلت روایات معتبره

۳. بخش عمده‌ای از این روایات اشاره به تبعات دارد و اکثر این تبعات ملازم با تحریم نیست.

۴. در روایات معتبر، تحریم محل تردید بود.

در نتیجه از منظر حکم روایات معتبر بر چند قسم می‌شوند:

۱. روایاتی که به وضوح دلالت بر حرمت می‌کنند. البته این‌ها همه ضعیف هستند.

۲. روایاتی که معتبرند اما دلالت قاطعانه بر تحریم ندارند.

۳. روایات زیادی که بیشتر با کراهت سازگارند.

در نتیجه نمی‌توانیم دلالت بر حرمت را پیدا بکنیم. الا اینکه بگوییم از مجموعه روایات نمی‌توانیم به راحتی بگذریم. البته نمی‌توانیم با این کثرت روایات و عقوبات سختی که بر آن مترتب شده است، حرمت را شامل نشویم.

پس به صورت کلی می‌توانیم بگوییم به نحو علی‌الاجمال این‌ها صدوری دارند. از طرفی بخش زیادی از این‌ها دلالت بر حرمت دارند.

نکاتی در مورد جمع بندی

چون تعداد زیادی روایت در حرمت آلات وجود دارد، بعید می‌دانیم که بگوییم حرمتی وجود ندارد. البته ادعای توانر را اینجا نمی‌توانیم بکنیم. باید بگوییم مدلول التزامی مشترک این چند روایت یک مبغوضیتی است.

زمانی که تجزیه کردیم، نتوانستیم دلالت بر حرمت را تام بگیریم. اما با نگاه ترکیبی سه نکته در این قسمت وجود دارد:

۱. سند این مجموعه را اغماض نمی‌کنیم.



۲. بنا بر مدلولات، مبعوضیت را استفاده می‌کنیم ولی حرمت را نمی‌توانیم استفاده کنیم. پس بر کراهت فتوا می‌دهیم. الا اینکه به احتیاط واجب بخواهیم بگوییم که حرمت دارد.

۳. آیا اطلاق را می‌توانیم فرض بگیریم یا خیر؟ این اطلاق که بگوییم استعمال این‌ها در جایی که غنا تولید نمی‌کند بلکه صداهای جایز و حلالی را تولید می‌کند، محل تردید است.

حتی اگر کسی قائل به حرمت بشود، در موارد حلال بعید نیست که منصرف به این قسمت بشود.